

«نظریه اورمو» در تاریخ عمومی تورک

بر طبق نظریه «آلتای» که از قرن ۱۹ توسط دول غربی، روسیه و شرق‌شناسان وابسته به آن قدرت‌ها طرح شد، موطن و مبدأ نژاد ترک را «آلتای» و «آسیای میانه» ذکر می‌کنند. اما «تئوری آلتای»، یک نظریه دروغین ساخته استعمارگران غربی است که هدف از آن محو حافظه تاریخی ملت ترک و خدمت به منافع غرب و روسیه بود ولی به هیچ وجه قادر به جواب‌گویی به سؤالات و ابهامات مربوطه نیست، و آثار آرکولوژی یافت شده در آذربایجان، آنادولو و عراق، نوشته‌های آشوری، سومری، بابلی و اورارتوبی کلاً آن نظریه جعلی را نقض می‌کنند. در این نظریه جعلی هیچ توجیهی به آثار آرکولوژی ترکان در آذربایجان و کتبیه‌های سومری، بابلی، آشوری، اورارتوبی و عیلامی که همه شان حضور ترکان در آذربایجان، غرب ایران، جنوب شرق آنادولو و عراق را در هزاران سال پیش تائید می‌کنند نکرده‌اند و تنها با تکیه بر کتبیه‌های اورخون که فقط قدمتی ۱۵۰۰ ساله دارند، نظریه سیاسی و کلاً جعلی آلتای را طرح کردند، ولی آنها عاجز از جواب‌گویی به صدھا ابهام و سؤالات مربوطه هستند. مثلاً وجود هزاران لغت اصیل ترکی در کتبیه‌های سومری و عیلامی، و اسمای ترکی مکان‌ها، رودها و اشخاص در کتبیه‌های آشوری را که تا سه هزار سال قدیمی‌تر از نوشته‌های اورخون می‌باشد نمی‌توانند توجیه کنند. هدف ارائه‌دهندگان آن نظریه، این بود که ریشه ترک‌ها را از اروپا و جنوب غرب آسیا قطع کنند و با تضعیف ترک‌ها بتوانند به تهدیدات ۲۰۰۰ ساله ترک‌ها به اروپا و روسیه خاتمه دهند، استعمارگران غربی و روسیه همچنین با تحریف تاریخ و پیش کشیدن اقوام کوچکی مثل تاجیک‌ها (فارس‌ها)، اکراد و ارامنه که قرن‌ها در داخل امپراطوری‌های مختلف ترک به عنوان اقلیت‌هایی زندگی می‌کردند ولی هیچ وقت وزنه‌ای سیاسی و اجتماعی نبودند، برای خدشه‌دار کردن وحدت جغرافیایی ترکان که از غرب چین تا بالکان کشیده شده و با توجه به تجربه‌های ۲۰۰۰ سال اخیر، خطری بالقوه برای امنیت روسیه و اروپا به شمار می‌رود، دست به پرورش و بزرگ‌نمایی این اقوام و ایجاد کشورهای جعلی تاجیکستان، ایران، ارمنستان و حالا هم کردستان در سرزمین‌های تاریخی ترکان کرده‌اند تا بدین و سیله جلوی وحدت جغرافیایی و سیاستی ترکان در آینده گرفته شده و خطری متوجه منافع غرب و روسیه نشود.

این مسئله اتفاقی نیست که قدیمی‌ترین نشان از زبان ترکی که مربوط به ۴۵۰۰ سال قبل می‌باشد در آثار باقی مانده از سومرها دیده می‌شود و نه در آسیای میانه! سومری‌ها به علت مهاجرت شان به آذربایجان و سکونت چند صد ساله در آنجا و بعداً مهاجرت به عراق کنونی و تشکیل دولت در سرزمین ترکان کنگر، این لغات را از بومیان آن مناطق، ترکان آذربایجان و کنگر، گرفته‌اند و این باعث شده که عده‌ای از سومرشناسان مانند فریتز هومئل، کرامر نواک، اوپر، و ... با استناد به وجود صدھا لغت ترکی در زبان سومری، به اشتباه آنها را اجداد ترکان بنامند.

^۱ قدیمی‌ترین اثر خطی پیدا شده به زبان ترکی در آسیای میانه با القبای رونیک ترکی باستان می‌باشد که مربوط به ۲۴۵۰ سال پیش بوده و از کورگان بزرگ ایسیک گوئل در قازاقستان پیدا شده است.

تاریخ دانان منصف و غیروابسته، نظریه سیاسی آلتای را نفی می کنند و مبداء و موطن اولیه ترکان را نه در آسیای میانه و آلتای بلکه در دایره‌ای در اطراف دریاچه اورمیه می دانند که شمال عراق و شرق آنادولو را نیز در بر می گیرد. آکادمی‌سین تاریخ دان مشهور روس یکی از آنهاست که تحقیقات عمیقی درباره قوتی‌ها، مانناها و مادها انجام داد و التصاقی زبان (ترکی) بودن آنها را اثبات کرد و بخاطر آن هم دچار غصب استالین شد. پروفسور فریدون آغا‌سی اوغلو، این نظریه را «نظریه اورمو» نام نهاده و با استناد به کتبه‌های سومری، آشوری، بابلی و آثار آرکولوژی پیدا شده در آذربایجان، عراق و شرق آنادولو، و علم زبان‌شناسی، اثبات می کند که آذربایجان جنوبی مبداء و موطن اولیه ترکان جهان می باشد. نظریه اورمو همچنین به سوالات راجع به علت تغییر ظاهری چهره در بین ترکان در مسیر غرب به شرق با استناد به مسیر کوچ‌ها از آذربایجان به شرق، شمال و غرب و همچنین علم ژنتیک جواب قاطع می دهد. بر عکس ادعای دروغین دشمنان ملت ترک، ترکان از لحاظ ژنتیکی و زبانی ارتباطی با مغولها ندارند، و به علت مهاجرت بخشی از ایل‌های ترک از آذربایجان به آسیای مرکزی، سیبری و آلتای، بخش‌هایی از خلق‌های مغول و چین شدیداً از فرهنگ و زبان ترکی تأثیر پذیرفتند تا جایی که بعضی‌ها در فرهنگ ترکی و اقوام ترکی حل شدند. و از آنجاست که هر چه از آذربایجان به طرف شرق می رویم، نشانه‌های ظاهری اقوام زرد به تدریج نمایان می شود. از آنجا که ژن‌های مربوط به چهره و ظاهر بیرونی نژاد زرد در اختلاط با ژن‌های مشابه در نژاد سفید، از جمله ترکان، نقشی غالب دارد، لذا در ازدواج‌های بین آنها، مشخصات ظاهری نژاد زرد، حتی از اولین نسل در بچه‌ها، غالباً خود را نمایان می کند، و بدان خاطر ترک‌های مهاجرت کرده به آسیای میانه و سیبری مشخصات ظاهری نژاد زرد، از جمله چشم‌های کشیده، را تا حدی دارند. در حالی که تأثیرپذیری ژنتیکی شان از نژاد زرد کمتر از ۱۵ درصد است و از لحاظ ژنتیکی بیشترین نزدیکی را با ترک‌های آذربایجان و ترکیه دارند. اگر ادعای پان‌فارس‌ها مبنی بر زرد نژاد بودن ترکان صحت داشت، باید آن عده قبایل ترک زردچهره !!! (البته سلجوقیان زرد چهره نبودند) که در زمان سلجوقیان و مغول وارد آذربایجان شده و باعث تغییر زیان فهلوی !! به ترکی شدند، باید تأثیر عمیقی هم بر قیافه ظاهری آذربایجانیان می کرد، ولی نبود چهره مغولی در آذربایجان ادعای آنها را کلاً باطل می کند.^۲

واقعیت این است که طبق اسناد سومری، بابلی، آشوری و غیره ترک‌ها از حداقل ۵۰۰۰ سال پیش بومیان اصلی آذربایجان، شرق آنادولو و شمال عراق بودند، و این منطقه «آنایورد» ملت ترک می باشد و زبان ترکی زبان حاکم و عمومی در آنجا بود. و به دلایلی، بعضی از ایل‌ها و طایفه‌های ترک بین سال‌های ۲۵۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد، از آنجا به سه سمت شمال، غرب و شرق مهاجرت کرده و موفق به تشکیل دولت‌های مختلف در سرزمین‌های دیگر شده‌اند و آثار کشف شده آرکولوژی این حقیقت را اثبات می کند. مهاجرت معکوس ترک‌ها به آذربایجان هم اولین بار با آمدن دیش اوغوزها (ساکاها) در ۷۰۰ ق.م. اتفاق افتاده، بعدها در ۴۰۰ - ۳۰۰ بعد از میلاد هم دسته‌هایی از ترکان هون در آذربایجان ساکن شدند. در زمان سلجوقیان نیز طایفی از ترکان اوغوز وارد آذربایجان و دیگر جاهای ایران امروزی شدند، و آخرین بار نیز در زمان حمله مغول طایفی از ترکان اویغور، پیچنگ و کومان در آذربایجان و دیگر

^۲ برای مطالعه تحقیقات ژنتیکی در این باره مراجعه شود به: <http://www.piciran-forum.ir/images/kvb.pdf>

جاهای ایران امروزی ساکن شدند، اما همه اینها فرزندان بخشی از بدن ملت ترک آذربایجان بودند که در زمان‌های قدیم از آذربایجان رفته و در دیگر سرزمین‌ها زندگی کرده و امپراطوری‌های عظیم آفریده بودند (ساکاها، هون‌ها، گوک‌ترک‌ها، خزرها، پیچنک‌ها، کومان‌ها، بلغارها، سویارها، سلجوچ‌ها و ...).

اکثر اسامی مکان‌ها، شخص‌ها و طوایف آذربایجان که در منابع آشوري، بابلی و ... ذکر شده حتی با ترکی امروزی صدق می‌کند، برای مثال «قیزیل بود»^۳ در کنار «قیزیل اوزن» امروزی منطقه ميانه. قیزیل اوزن یادگاری است از همان ایل «قیزیل بود» که سارگون دوم در نزدیکی شهر ميانه امروزی با آنها جنگید. «سانگی بود» یا «زنگی بود» که طبق منابع آشوري، سارگون دوم در شمال دریاچه اورميه با آنها مواجه شده و اسامی «زنگان»، «زنگه‌زور» و «زنگيلان» بازمانده اسم آن ایل ترکی است، ایل زنگی بعد از اسلام نیز دولت ترکی زنگی شمال عراق را به مرکزیت موصل ایجاد کردند.

طبق اسناد آشوري ترک‌های کومان در جنوب شرق ترکیه امروزی دولت مقتدری داشتند و بارها با آسوری‌ها جنگیدند، ترک‌های کومان آثار مخصوص به خود دارند. «داش بابا»‌هایی که هم در جنوب شرق ترکیه با قدمت ۵۰۰۰ ساله و هم در شهر پیری (خیاو / مشکین شهر) با قدمت ۴۰۰۰ ساله پیدا شده‌اند، بعدها که کومان‌ها از آذربایجان به شمال قفقاز و اوکراین^۴ کوچ کردند و امپراطوری کومان‌ها را در آنجا ایجاد کردند، همین «داش بابا»‌ها را در آنجا هم بر روی قبرهای شان درست کردند که موزه‌های اوکراین پر است از آنها. کومان‌ها تا قرن ۱۸ ميلادي زبان ترکی خود را نگه داشته بودند. مسیر حرکت کومان‌ها که یکی از صدھا طایفة ترکی می‌باشد که از آذربایجان کوچ کده‌اند، نشان از ترک بودن آذربایجان، شرق آنادولو، شمال عراق و غرب ایران امروزی در هزاران سال قبل است. اگر ما طبق یافته‌های تاریخی مسیر کوچ ترک‌های سویار (سایبر) را از آذربایجان به آسیای ميانه و بعدها به کناره ولگا و اروپا و سیبری (برگرفته از نام همین ایل) دنبال کنیم باز هم همان حقیقت را می‌بینیم. بر عکس تاریخ کلاً جعلی فارس‌ها، تاریخ ترک‌ها را به راحتی بر اساس آثار تاریخی می‌توان اثبات کرد ولی متأسفانه به علت ترکستیزی و ترس تاریخی روسیه و اروپا از ترک‌ها، شرق شنا سان غرب و روسیه یک مشت جعلیات را به عنوان تاریخ ترک‌ها نو شته‌اند. تاریخ‌های نوشته شده در این مراکز، جعلیاتی بیش نیستند که به خاطر منافع ملی و سیاست خود شان علیه ترک‌ها نوشته‌اند. همین شرق شناسان دروغین به خاطر منافع خود، برای فارس‌ها از «هیچ»، تاریخی باشکوه ولی کلاً جعلی نوشتند و تاریخ‌نویسان فارس هم همیشه جعلیات آنها را تکرار می‌کنند.

روسیه امروزی، اوکراین، شمال‌غرب چین، کل قفقاز و آسیای ميانه، در مدت حداقل ۲۰۰۰ سال، متعلق به اقوام مختلف ترک بود و ریشه همه این اقوام از آذربایجان بود. لذا آنها دست به هزار نوع جعلیات می‌زنند تا مثلاً نشان دهند که روسیه همیشه مال اسلام‌ها و ایران همیشه مال فارس‌ها بوده است. و همچنین برای بلعیدن آذربایجان هم به

^۳ بود در ترکی باستان به معنی ایل می‌باشد.

^۴ اسم قدیم اوکراین، «کومانیا» بود.

دروغ ادعا می‌کنند که زبان آذربایجانی عوض شده و یا ترک‌ها چند صد سال پیش به آذربایجان آمده‌اند و اینجا مثلاً مال فارس، تات، کرد، ارمنی بود، ولی اینها چرندياتى بیش نیستند و هیچگونه اساس علمی و تاریخی ندارند و صرفاً برای مصارف سیاسی به دروغ جعل می‌شوند.

آیا شماها تا حال فکر کرده‌اید که چرا در ایران از ۸۰ سال قبل با خرج میلیارد‌ها تومان این‌همه دروغ درباره به اصطلاح تغییر زبان ملت آذربایجان می‌نویسند ولی در مورد زبان فارس‌ها، کردها، لرها، بلوچ‌ها و ... همچون ادعایی نمی‌کنند؟ در حالی که در مقایسه با ساکنین آذربایجان جمعیت تک‌تک آنها خیلی کمتر است و باید راحت‌تر زیان‌شان عوض می‌شد.

به زبانی ساده، به علت ترس از قدرت‌گیری دوباره ترکان در ایران دست به این سیاست‌های کثیف و غیرازسانی می‌زنند. اگر در ایران زبان ملتی عوض شده باشد، آن در درجه اول زبان ملت ساختگی فارس است. در زمان کودتای انگلیسی رضا میرپنج فارس‌ها، که تا اوخر قاجار «تاجیک» خوانده می‌شدند کمتر از ۱۰٪ جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، که در اثر سیاست آسیمیلاسیون الان به ۳۰٪ رسیده‌اند، به زبانی ساده، $\frac{2}{3}$ فارس‌های امروزی از ملل دیگر، بخصوص ترک‌ها، می‌باشند که زبان اصیل خود را در همین ۸۰ سال از دست داده‌اند.